

فرا تحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

محسن نیازی^۱

ولی بهرامی^۲

ایوب سخایی^۳

سید سعید حسین زاده^۴

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، به‌کارگیری روش فرا تحلیل به‌منظور تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات صورت گرفته پیرامون بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی می‌باشد. این تحقیق به روش فرا تحلیل کمی صورت پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش را، تعداد ۳۰ مورد از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بررسی رابطه بین تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی، بین سال‌های ۹۵-۱۳۸۹ در ایران تشکیل می‌دهند. از طریق نمونه‌گیری هدفمند، ۱۰ پژوهش که در فصلنامه‌های معتبر علمی-پژوهشی به چاپ رسیده و دارای ویژگی‌های مناسب برای ورود به فرا تحلیل بودند به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. یافته‌های حاصله حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار مطالعات مورد بررسی داشتند. ضریب اندازه اثر و نقش تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت و سطح تحصیلات با به‌کارگیری نسخه دوم نرم‌افزار CMA مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی معادل ۰/۵۳ می‌باشد که برحسب نظام تفسیری کوهن، در محدوده اطمینان و در سطح حد زیاد ارزیابی می‌شود. رابطه میان مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی از منظر ویژگی‌ها و مختصات مطالعات به‌شدت متغیر و متفاوت بوده و این امر لزوم توجه به متغیر تعدیل‌گر را پررنگ جلوه می‌دهد. ضریب اثر بر اساس متغیر تعدیل‌گر جنسیت برای مردان (۰/۵۸) بالاتر از زنان (۰/۴۶) بود، بدین معنی که میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته، یعنی می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان متأثر از مشارکت اجتماعی هست. ضریب اثر بر اساس متغیر سطح تحصیلات، در سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم ۰/۵۵ و در سطح تحصیلات زیر دیپلم ۰/۴۴ بود؛ یعنی میزان مشارکت اجتماعی کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته است.

واژگان کلیدی: فرا تحلیل، حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کاشان

۲. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول اصلی، bahrami1171@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان

۴. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان

مقدمه و بیان مسئله

رشد و گسترش بی‌رویه شهرها و افزایش جمعیت آن‌ها در قرون اخیر باعث تراکم مادی و اخلاقی در فضاهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌یافته شهری شده است؛ بطوریکه وضع مقررات و تدوین قوانین شهری، وضع تکلیف، حقوق شهروندی و مسئولیت حاکمیت شهری جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی شهری از الزامات شهرنشینی و مدیریت شهری بوده است (فتحی و مختار پور، ۱۳۹۰: ۱). موضوع شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن رابطه شهروند را با مدیریت شهر یا دولت و حکومت تبیین می‌نماید. مفهوم شهروندی به‌عنوان فردی که تعهداتش را می‌پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی، خودآگاه بودن را لازمه مشارکت خود می‌داند، راهی است که امروزه بسیاری از تشکل‌ها، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می‌دانند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۸). شهروندی به‌عنوان رویکردی است که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره می‌کند و تعامل بین فرد و جامعه را جهت می‌دهد و به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد (پارکر، ۲۰۰۰). شهروندی یکی از ویژگی بارز انسانی است که ناشی از نیاز اجتماعی انسان به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر افراد انسانی، آگاهی نسبت به حقوق و تکالیف و وجود یک اخلاق مشارکت‌جویانه و آگاهانه در فعل و انفعالات اجتماعی مطرح شده است (شرفی، ۱۳۸۷: ۵۲). آشنایی با مفهوم شهروندی به‌خوبی نشان می‌دهد که این ایده در اصل به حقوق اقتصادی و سیاسی دسترسی و مشارکت مربوط می‌شود و کسانی که برای پوشش حقوق اجتماعی فراسوی آن‌ها حرکت می‌کنند، فقط ارتقاء برابری را به‌منظور حمایت از یکپارچگی اقتصادی هدف قرار می‌دهند (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۸). از آنجاکه در مفهوم شهروندی جنبه حقوقی و تکالیف و مسئولیت‌ها مطرح می‌شود و مسئولیت شهروندی همان «خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است» (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸). بدین معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی آشنایی و آگاهی نداشته باشند، از وظایف خودآگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. پس برای اینکه حقوق شهروندی مؤثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آن‌ها را محترم بشمارند. آگاهی از این حقوق به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر خود و مشارکت بیشتر شهروندان در امور جامعه می‌شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۶۷). در ایران بیش از یک سده است که مبارزه برای احقاق حقوق شهروندی و به‌عبارت‌دیگر فرآیند تبدیل امت به ملت و رعیت به شهروند با فراز و نشیب‌های فراوانی ادامه دارد (مالجو، ۱۳۸۱: ۳۴). با این وجود هنوز شاهد چالش‌های فرهنگی و اجتماعی بحران‌زا در شهرهای مختلف ایران هستیم. به عقیده‌ی کارشناسان مسائل

اجتماعی ایران، بخش عمده‌ی از این چالش‌ها به دلیل عدم آگاهی و ناآشنایی شهروندان از حقوق شهروندی‌شان است (پیرهادی، ۱۳۸۵، ۴۴). چنانچه در چند دهه اخیر حقوق شهروندی و آگاهی از این حقوق به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاستمداران زیادی را به خود جلب کرده است. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود. بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آن‌ها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقاء آن نقش مؤثری دارد (شیانی، ۱۳۸۸: ۳۷). به نظر می‌رسد آگاهی از حقوق شهروندی امروز به‌عنوان نیاز اساسی برای تمام شهروندان درآمده است. چراکه آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مردم بهتر در امور شهری مشارکت کامل داشته باشند (مایور، ۱۳۸۳: ۷۶). آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری برخوردار گشته و شاهد کاهش مشکلات و مسائل در زندگی شهری باشیم. در مجموع شهروندی و مشارکت ارتباط بسیار تنگاتنگ با هم و با مردم محوری یا دموکراسی، تقویت حوزه عمومی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیری شهروندان، ایجاد شرایط و زمینه‌های مشارکت و آسیب‌شناسی اجتماعی مشارکت شهروندان دارد (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). همچنین اگر شهرنشینان به کمک حکومت‌ها و دولت‌ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند و مشارکت نداشته باشند، خطر تمرکز امور، دور شدن از دموکراسی، کاهش کارایی افزایش هزینه‌ها، یکسان‌سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت زندگی شهری، به وجود خواهد آمد (یونسکو، ۱۹۸۷). گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال‌های اخیر در ایران مشکلات و مسائل خاصی را در زندگی شهری به وجود آورده است و مدیریت‌های شهری امروزی دیگر قادر نخواهند بود با روش‌های سنتی و معمول رایج گذشته، برای ارائه خدمات یک‌سویه موفقیتی به دست آورند؛ به عبارت دیگر آنچه امروزه توسعه شهری را تضمین می‌کند، مشارکت تمامی شهروندان در فعالیت‌های شهری است (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳)؛ بنابراین موفقیت برنامه‌ریزان شهری در جهت افزایش مشارکت شهروندان، حرکت از مشارکت صوری به سمت مشارکت واقعی و هدفمند هست (نیازی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). مشارکت واقعی و هدفمند مبنایی است برای تبدیل فرد به شهروند (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۳۶). مشارکت نقش اساسی و تعیین‌کننده در هویت‌یابی فرد و تبدیل آن به شهروند دارد (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۰) مشارکت شهروندی، برنامه‌های شهری را مشروعیت بخشیده و آن را نهادی می‌سازد (قلی پور، ۱۳۸۰: ۱۴۵). مشارکت نهادینه شهروندان، کیفیت برنامه شهری و رفاه شهروندان را افزایش

می‌دهد. باین وجود مشارکت شهروندی به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی دارای تناقضی ریشه‌دار است. این تناقض نشان می‌دهد که ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی و خصوصی سخت مشارکت‌جو بوده‌اند، ولی در عرصه‌های رسمی، مشارکت‌جو نیستند (توسلی، ۱۳۸۹: ۵) به همین خاطر شهروندی در نظام اجتماعی و ارتباط متقابل این مفاهیم با مشارکت از مسائل و دغدغه‌هایی است که محور بحث بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران اجتماعی هست. در سال‌های اخیر در زمینه مفاهیم آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی مطالعات متعددی صورت گرفته و این مطالعات، در حوزه‌های مختلف و از ابعاد مستقیم و غیرمستقیم به بررسی ارتباط بین دو مفهوم مذکور پرداخته‌اند. گستردگی و پراکندگی مطالعات در این حوزه و رواج رویکردهای متعدد، لزوم انجام فرا تحلیلی منسجم جهت نیل به تصویری جامع‌تر از وضع موجود موضوع و نیل به نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهش و ارائه تصویر و چشم‌اندازی یکپارچه از یافته‌های علمی در این حوزه را ایجاب کرده و بر همین اساس با فرض اجرای مطالعات کافی در حوزه بررسی ارتباط میان آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی، سعی شده است تا مطالعات صورت گرفته را از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵، گردآوری و نتایج آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با توجه به مباحث فوق، هدف و سؤال اصلی پژوهش به شرح زیر است:

هدف اصلی: فرا تحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

پرسش اصلی:

- تا چه اندازه مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر داشته است؟
- تا چه اندازه متغیر جنسیت تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی را تعدیل می‌کند؟
- تا چه اندازه متغیر میزان تحصیلات تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی را تعدیل می‌کند؟

مبانی و چارچوب نظری:

شهروند: شهروند به کسی گفته می‌شود که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقال، مباحثه و مشارکت باشد و از وظایف و حقوق شهروندی خود در قبال دیگران و جامعه اطلاع داشته باشد (عربستانی و حاجیان، ۱۳۸۴: ۷).

حقوق شهروندی: به معنای مجموعه‌ای از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی است که شهروند از آن برخوردار می‌شود (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۶).

آگاهی: به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد (آقا بخشی، ۱۳۸۶: ۳۱).

آگاهی شهروندی: به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تکالیفشان است (پور عزت، ۱۳۸۸).

مشارکت: به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۹۰: ۲۵۷). بوکلند، مشارکت را به‌عنوان زیربنای پیشرفت جامعه و از شرایط لازم برای توسعه اجتماعی قلمداد نموده است. از دیدگاه وی، مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه به شمار می‌رود (بوکلند، ۱۹۹۸: ۹۱).

مشارکت اجتماعی: فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن، کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (گائوتری، ۱۹۸۶: ۳۷).

جدول شماره (۱): خلاصه‌ای از رویکردهای نظری مشارکت اجتماعی

رویکرد	آراء
دیدگاه کارکردگرایی	در این دیدگاه اعتقاد بر این است که استمرار و دوام حیات جامعه بر اثر مشارکت اجتماعی افراد هست.
دیدگاه ساختارگرایی	فرض اساسی این نظریه بر این مبناست که روابط پایدار نهادینه‌شده در جامعه، مشارکت اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد و این مشارکت موجب حفظ ساخت‌های جامعه می‌شود.
دیدگاه تضادگرایی	در دیدگاه تضاد، توجه به روابط طبقاتی، مبادله نابرابر کشمکش و ستیز میان گروهی در اولویت هست.
دیدگاه فرهنگی	این دیدگاه رامی‌توان به‌عنوان مبنای‌ترین و اصلی‌ترین دیدگاه در زمینه مشارکت شهروندان دانست. به‌طوری‌که بررسی ارزش‌های فرهنگی که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی هستند در زمره این دیدگاه قرار دارد و ارزش‌های فرهنگی، پیش‌نیاز توسعه و رسیدن به حداکثر مشارکت اجتماعی می‌گردد.
دیدگاه روان‌شناختی	این نظریه فرد را ملاک و معیار قرارداد و معتقد است افزایش مشارکت، ناشی از تغییر نگرش، افکار و شخصیت افراد هست. یک سلسله تغییرات در شخصیت افراد

یکی از بهترین راه‌های افزایش مشارکت اجتماعی است.	
پارسونز در تحلیل خود به متغیرهایی چون خردگرایی، عام‌گرایی، جهت‌گیری جمعی، فعال‌گرایی و اکتساب‌گرایی به‌عنوان زمینه و عوامل مشارکت و در برابر آن‌ها عواملی چون عاطفه‌گرایی، خاص‌گرایی، جهت‌گیری فردی، انفعال‌گرایی انتساب‌گرایی را به‌عنوان موانع مشارکت شهروندان مطرح می‌نماید.	دیدگاه‌متغیرهای الگوی تالکوت پارسونز

(نیازی، ۱۳۹۴: ۱۰۷)

مشارکت و شهروندی: بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، مشارکت را معرف اصلی شهروندی دانسته و آن را به گونه‌های مختلف مورد تحلیل قرار داده‌اند. مباحث مربوط به شهروندی و مشارکت، در چارچوب دموکراسی قرار دارد. شناسایی ابعاد مختلف مشارکت در قالب حقوق و وظایف شهروندی می‌تواند راه‌های اجرایی مؤثر و کارآمد خواسته‌های شهروندان باشد، زیرا اعضای جامعه هم هدف و هم وسیله تحقق اجتماعی هستند (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). آشنایی با مفهوم شهروندی به‌خوبی آشکار می‌سازد که بدون مشارکت فعال اعضای جامعه، شهروندی در مفهوم واقعی آن به منصف ظهور نخواهد رسید. در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در زمینه مشارکت و شهروندی دو رویکرد عمده را می‌توان از هم تفکیک کرد: رویکرد خودنگر و رویکرد کلان‌نگر.

جدول شماره (۲): خلاصه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در زمینه مشارکت و شهروندی

دیدگاه‌ها و نظریه‌ها	آراء
خرد نگر	در این دیدگاه بیشتر بر تمایلات، انگیزه‌ها و گرایش‌ها نسبت به مشارکت تأکید می‌شود. در این بخش، تمایلات و گرایش‌های فردی نسبت به مشارکت مطرح می‌شود.
	در بخش رفتاری، انجام فعالیت‌های داوطلبانه جمعی و مشارکت در سازمان‌ها و نهادها مطرح می‌شود و رفتارها، نتیجه سود و زیان تلقی شده است. در این دیدگاه مشارکت به‌عنوان یک رفتار هنگامی از فرد سر می‌زند که در برابر آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری را برای آن پرداخت نماید.
کلان نگر	در این دیدگاه بیشتر شرایط، به‌ویژه عناصر ساختاری مورد توجه قرار گرفته است. مشارکت می‌تواند به شیوه‌ای تبدیل شود که بازتاب حقوق واقعی مردم در عرصه‌های مختلف جامعه باشد یا می‌تواند ابزاری در دست قدرتمندان شده و جنبه صوری و عوام‌فریبی پیدا کند. مشارکت در نهادهای مدنی و فعالیت‌های داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آن‌ها خواهد بود.

(شیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۳)

بر این اساس، در بررسی تحولات نظری مفهوم مشارکت و حقوق شهروندی، می‌توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری‌خواهی را از یکدیگر تفکیک کرد (شیانی، ۱۳۸۴: ۸۴). در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد بوده و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرفی را دارد. بنابراین شهروندی باید بر مبنای حقوق باشد، این امر نشان می‌دهد که حقوق امری بینادی در امور شهروندی محسوب می‌شود. در حالی که در مکتب جمهوری‌خواهی این تعهدات و وظایف هستند که نقش محوری ایفا می‌کنند. شهروندی در این تفکر یک عمل و فعالیت تعریف می‌شود و از شهروندی به مسئولیت فرد، نسبت به جامعه تأکید شده است. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به بیان دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند. در این مکتب استدلال می‌شود که شهروندان خود را به عنوان بخشی از جامعه مشترک می‌دانند و احساس مسئولیت نسبت به جامعه دارند و برای دستیابی به اهداف مشترک در فعالیت‌ها و امور مربوط به اجتماع، مشارکت می‌نمایند (اولد فیلد، ۱۹۹۰: ۵۱). در گفتمان شهروندی جمهوری خواهان، شهروندی فقط شأن حقوقی نیست، بلکه نوعی فعالیت یا اقدام نیز محسوب می‌شود، بطوریکه درگیر نشدن در فعالیت‌های اجتماعی موجب «نا شهروندی» شهروندان می‌گردد، لذا مهم‌ترین الزام شهروندی در این گفتمان، حمایت از شهروندان برای تحقق منزلت شهروندی است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۵). در دیدگاه جامعه شناسان نیز افرادی چون مارشال، ژانوسکی، مارکس، پارسونز، هابرماس، ترنر و ... در زمینه شهروندی نظریه پردازی کرده‌اند.

به زعم مارشال، شهروندی " موقعیتی " است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطاشده به آن‌ها، با یکدیگر برابرند (مارشال، ۱۹۶۴). به عقیده مارشال حقوق شهروندی به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به ویژه به وسیله دولت است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۲۲). حقوق سیاسی به معنای برخورداری همه افراد از زمینه‌های مشارکت در بخش‌های مختلف جامعه است. حقوق اجتماعی هم طیف وسیعی از انواع حقوق مانند حق برخورداری از کمترین میزان رفاه و امنیت وزندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه‌های موجود متمدن را شامل می‌شود (مارشال، ۱۹۶۴: ۱۹).

ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت- ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که

گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند. وی به‌طور کلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (جانوسکی، ۱۹۹۸: ۲۸).

به‌زعم وبر، برای تشکیل شهر به‌عنوان اجتماع کامل، یک سکونتگاه باید دارای تسلط نسبی روابط تجاری بازرگانی بوده و خصایصی مانند قلعه، بازار، دربار و قانون نسبتاً مستقل، نوعی سازمان و تشکیلات مربوط به آن و استقلال نسبی و خودفرمانی، یعنی مدیریت توسط مدیرانی که با مشارکت شهروندان انتخاب شده‌اند، وجود داشته باشد (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۱۰). بنابراین، وبر یکی از خصوصیات مهم شهر را مشارکت شهروندان می‌داند، همچنین وجود قانون نسبتاً مستقل و سازمان و تشکیلات انجمن‌های متکی به انتخاب آزاد افراد، از اصول اساسی حقوق سیاسی شهروندان می‌باشند که وبر مدنظر قرارداد است (سلطانی فرو همکاران، ۱۳۹۰: ۶). مارکس با زیربنا قرار دادن منابع اقتصادی و روبنا قرار دادن آگاهی و شعور انسان‌ها به شهروندی و حقوق مربوط به آن توجه داشته است. به عقیده وی مجموعه این روابط پایه واقعی بنای حقوقی و سیاسی را می‌سازند و با صورت‌های معینی از آگاهی همراه‌اند. در نظام سرمایه‌داری نابرابری‌های وسیع طبقاتی وجود دارد و جایی برای شهروندی و مشارکت افراد نیست، پس شهروندان دارای حقوق برابر نیستند (مارکس، ۱۹۶۷: ۲۹). در همین راستا دارندروف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند، اگرچه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (داراندروف، ۱۹۴۱: ۱۴).

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از "حقوق شهروندی" ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و

مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به‌زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد (هابرماس، ۱۹۹۴: ۳۴۵-۳۵۰).

به عقیده ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع وی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی. این موارد به حقوق اجتماعی متمایز از حقوق انسانی با فرض عضویت در دولت - ملت مربوط می‌شود. بنابراین در تأکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است، پس در تعریف وی، شهروندی عاملی فعال است. همچنین حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است. شهروندی، موقعیتی اساسی است که به افراد فرصت شناخته شدن و حضور در اجتماع را می‌دهد. بنابراین شهروندی از پایین به بالا است و شهروندان با آگاهی از حقوق و وظایف خود در امور جامعه مشارکت می‌کنند (شیانی، ۱۳۸۹: ۱۷).

در انتقاد به دنیای مدرن، پست‌مدرن‌ها مباحث و مجادلاتی را درباره ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی شدن، هویت‌های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت‌ها مطرح کرده‌اند. چنان‌که به اعتقاد آنان، ماهیت شهروندی در دوران مدرن دچار تناقض شده و محدودیت در زمینه دولت-ملت، همه‌شمولی و مساوات‌طلبی در رویکردهای لیبرال مشاهده می‌شود که برای دست‌یابی به شهروندی واقعی باید از میان برداشته شود. فالكس، از جمله پست‌مدرن‌هاست که در شهروندی پسامدرن خود به دفاع از لیبرالیسم می‌پردازد. به عقیده وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنادار هستند که به وسیله احساس تعهد به دیگران حمایت شوند، دیگری که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسد و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رساند (فالكس، ۲۰۰۷: ۱۳۸۱). فمینیست‌ها نیز عمده بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسئله طرد زنان از حقوق شهروندی به

شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خودزنان مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. چنان‌که برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود، بنابراین زنان برای اینکه به‌مثابه شهروندانی عامل زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به عملشان در تمام عرصه‌های (خصوصی - عمومی) زندگی کنند (شیانی، ۱۳۸۸: ۱۷).

به‌طورکلی و با توجه به نظریاتی که در مبانی نظری مطرح شد، تقریباً تمام گفتمان‌ها نظریه‌ها برخی از مضامین مورد مطالعه را توضیح می‌دهند. به بیان دیگر هر یک شهروندی را از دیدگاه‌های متفاوت تعریف کرده و عوامل مختلفی را بر آن مؤثر دانسته‌اند. به‌زعم رابرت دال شهروند حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را باید داشته باشد. وی مشارکت در جامعه مدنی را تابع ضوابط و شرایطی می‌داند که شامل موارد زیر است: ۱- شهروندان از امکان مشارکت مؤثر در فراگرد سیاسی و طبعاً از فرصت‌های کافی و مساوی با یکدیگر بهره‌مند باشند تا پس از تأمل و سنجش، هدف و ارجحیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را تعیین و دنبال کنند و بتوانند علت‌هایی را که موجب شده است یک هدف یا خط‌مشی را بر هدف یا خط‌مشی دیگر برتری دهند برشمارند. ۲- هر یک از شهروندان مطمئن باشند که داوری و رأی او در تصمیم‌گیری‌های مهم جمعی بر روی کار آمدن یا کنار رفتن حکومت‌ها و تأثیر بر خط‌مشی آن‌ها، همان ارزش و اعتباری را دارد که داوری و رأی شهروندان دیگر در موافقت و مخالفت و ابراز عقیده منشأ اثر و مورد توجه جدی است. ۳- شهروندان از فرصت و مجال کافی و مساوی با یکدیگر برخوردار باشند تا به تأمل و درک آگاهانه امور بپردازند و دریابند چه رهیافت‌ها، گزینش‌ها و تصمیم‌هایی مصالح آن‌ها را تأمین می‌کند. این اصل پذیرفته شده باشد که شهروند خوب حق صلاحیت تعیین و تشخیص مصلحت خویش را دارد و تعیین این‌که چه مسائلی باید در دستور کار حکومت قرار داشته باشد و چه هدف‌ها و سیاست‌هایی را باید دنبال کنند، در حوزه اقتدار شهروند است. سرانجام همه اشخاص بالغ از امتیازات و حقوق گسترده شهروندی بهره‌مند باشند. در اندیشه سیاسی اجتماعی معاصر مؤلفه‌هایی مفهوم شهروندی را تبیین می‌کنند که بیش از هر چیز به نزدیکی شهروندی و جامعه مدنی تأکید دارند که از جمله آن‌ها شأن، وفاداری، تکالیف، مسئولیت‌ها، هویت، آموزش و نقش هست (سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۸). راولز در زمینه مشارکت شهروندی برای دو عامل شخصیت اخلاقی فرد و نیروهای خرد، اهمیت زیادی قائل است. به‌زعم وی، شخصیت اخلاقی فرد، علاقه به مشارکت فعال و توانایی مشارکت درست و منطقی را در او به وجود می‌آورد. پس مشارکت

اجتماعی یکی از شروط اصلی شهروند شدن، هست (السان، ۱۳۸۳: ۸۲). همچنین هانتینگتون؛ نقش نخبگان سیاسی را جهت تشویق مردم به مشارکت مؤثر می‌داند و معتقد است که آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارد، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. نگرش نخبگان سیاسی و وضع انجمن‌ها و گروه‌های واسط، از پیش‌زمینه‌های مشارکت محسوب می‌شوند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

جدول شماره (۳): شاخصه‌های انواع مشارکت شهروندان در فرایند جامعه

فعالیت‌های پیرو منشانه	فعالیت‌های مشارکت‌جویانه
۱- ارائه منابع	۱- تصریح منافع
-پرداخت مالیات	-تماس‌های مبتنی بر نفع شخص
-انجام خدمت نظام	-فعالیت در گروه‌های غیررسمی
-عضویت در هیئت منصف	-فعالیت در گروه‌های رسمی
۲- دریافت منابع	-فعالیت‌های اعتراضی
-دریافت مزایای تأمین اجتماعی	۲- تألیف منابع
-دریافت مزایای رفاهی	-رأی دادن در انتخابات رقابتی
۳- رفتار قانونمند	-فعالیت حزبی در انتخابات رقابتی
-اطاعت از قوانین	۳- سیاست‌گذاری
-فرستادن فرزند خود به مدرسه	-رأی دادن در همه‌پرسی
-مراعات قوانین ایمنی از سوی تولیدکننده صنعتی	-عضویت در اجلاس شورای شهر
-ارائه و دریافت نمادها	-شورای کارگران
-یاد کردن سوگند وفاداری	
-گوش سپردن به سخنرانی‌های سیاسی	
-رأی دادن در انتخابات غیررقابتی	

(نیازی، ۱۳۹۴: ۱۳۸)

مشارکت به‌عنوان مبنا و معرف شهروندی و جزئی از حقوق و وظایف شهروندی است که می‌تواند به گونه‌های مختلف در جامعه اعمال شود. بر اساس نظر آیزن و وود، می‌توان ماتریس چند سطحی شهروندی و مشارکت را چنین ترسیم کرد.

جدول شماره (۴): ابعاد شهروندی و مشارکت

ابعاد شهروندی			مشارکت
ابعاد	حقوق	عضویت	
۳	۲	۱	عدم مشارکت
۶	۵	۴	مشارکت صوری
۹	۸	۷	مشارکت واقعی

بر اساس این ماتریس، مشارکت در عمل به الگوی پیچیده روابط میان ۹ خانه، هم در امتداد و هم میان سطوح و ابعاد

مختلف شهروندی به نسبت دخالت در امور- میزان و نوع مشارکت - بازمی‌گردد. این گستره می‌تواند عضویت صرف و عدم مشارکت تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان را در برگیرد. ارنشتاین در سال ۱۹۶۹ مشارکت شهروندی را با کاربرد استعاره نردبان مشارکت مطرح کرد. در این نردبان مراتب مشارکت شهروندی شناسایی شده است. مدل ارنشتاین به رابطه دوسویه قدرت و مشارکت شهروندان اشاره دارد. بطوری که پیوند و ارتباط بین این دو مفهوم از موضوعاتی است که در ادبیات توسعه و مشارکت و نیز در اندیشه صاحب‌نظران این مباحث جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. به نظر نلسون و رایت در خصوص تحلیل رابطه قدرت و مشارکت توسعه مدل تحلیلی از قدرت وجود دارد.

۱- مدل قدرت با استفاده از استعاره توسعه انسانی^۲ و در مبحث مشارکت، آن را با مفهوم توانمندسازی^۳ نشان می‌دهد.

۲- مدل قدرت بر^۴ که از استعاره توزیع مجدد^۵ و تحول ساختاری استفاده می‌نماید. در مبحث مشارکت خود را با برخورداری از قدرت تصمیم‌سازی^۶ نشان می‌دهد.

^۱. Power to
^۲. Human development
^۳. Empowerment
^۴. Power over
^۵. Redistribution
^۶. Decision - making

۳- مدل تمرکز زدا از استعاره تمرکززدایی^۱ استفاده می‌نماید و در مباحث مشارکت خود را با تأکید بر مفهوم از پایین به بالا نشان می‌دهد.

برای تحلیل رابطه مشارکت و قدرت، جایگاه مشارکتی افراد اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که در این زمینه به بحث آرنشتاین استناد می‌شود. آرنشتاین، مشارکت را به الگوی پیچیده روابط در امتداد و سطح و ابعاد شهروندی نسبت به دخالت در امور، میزان و نوع مشارکت مرتبط می‌داند که می‌تواند از عضویت صرف و عدم مشارکت تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان را در برگیرد.

جدول شماره (۵): مدل نردبان مشارکت آرنشتاین

قدرت شهروند	نظارت شهروند قدرت تفویض شده همکاری
مساوات طلبی نمایشی	تسکین بخشی مشاوره اطلاع‌رسانی
فقدان مشارکت	درمان عوام‌فریبی

(شیان، ۱۳۸۴: ۱۶۸)

بر اساس نظر آرنشتاین، در پایین‌ترین پله این نردبان، عدم مشارکت وجود دارد و شهروندان از هیچ قدرتی برخوردار نیستند. گاهی برخی سازمان‌ها با ایجاد شکلی ساختگی از مشارکت، به عوام‌فریبی می‌پردازند. سرپوش گذاشتن بر دیدگاه‌ها و رفتارها از طریق نظرسنجی، هدف پله درمان است. مراتبی از اطلاع‌رسانی به شهروندان نسبت به حقایق موجود درباره برنامه‌ها، پله بعدی است. در صورت عملکرد مناسب در مرحله آگاه‌سازی، حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان آغاز می‌شود و مشاوره برای انعکاس نظرات شهروندان به تصمیم‌گیرندگان سودمند خواهد بود. نتیجه این مشاوره، برخورداری کم از حق مشارکت است اما به‌طور موقت و تسکین‌بخش که مشارکت واقعی محسوب نمی‌شود؛ یعنی شهروندان از اقتدار کافی برخوردار نبوده و تصمیم‌گیری با صاحبان قدرت است و مراتبی از مساوات‌طلبی نمایشی به وجود می‌آید. در پلکان بعدی اشکال واقعی مشارکت دیده می‌شود که در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروند مطرح می‌شوند و بیانگر توزیع قدرت شهروند به‌واسطه مذاکره است. مخالفان بر این عقیده‌اند که این سطح به دلیل

^۱. Decentralization

^۲. Bottom – up

هزینه‌بر بودن، نارسایی و امکان سوءاستفاده فرصت‌طلبان، مانع از ارائه مناسب خدمات عمومی می‌شود. در واقع با این نردبان می‌توان به تفاوت مشارکت تصنعی و واقعی پی برد. علاوه بر سطوح فوق، مشارکت می‌تواند در اشکال و مراتب دیگری نیز سطح‌بندی شود که متأثر از رابطه اعضای جامعه و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان است (نیازی: ۱۳۹۴، ۱۱۸).

روش‌شناسی:

تحقیق حاضر از نوع فرا تحلیل بوده است. در این روش پژوهشگر، نتایج تحقیقات مختلف و متعدد را باهم ترکیب کرده و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. در تحقیق فرا تحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند (مایکل و همکاران، ۱۳۹۳). در ادامه به روش اجرای فرا تحلیل در هر یک از مراحل پرداخته شده است. مرحله اول: تعریف موضوع پژوهش؛ موضوع پژوهش حاضر بررسی رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی با استفاده از رویکرد فرا تحلیل است. متغیر مستقل این پژوهش مشارکت اجتماعی و متغیر وابسته میزان آگاهی از حقوق شهروندی هست. مرحله دوم: جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات انجام‌شده در زمینه موضوع مدنظر؛ در این مرحله مطالعات گذشته در زمینه موضوع مورد مطالعه گردآوری شد. لذا جامعه آماری این پژوهش را کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در زمینه بررسی رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت (حضور در عرصه عمومی) از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۵ تشکیل می‌دادند که در یکی از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) و پایگاه مرکز اسناد و مدارک علمی ایران (IranDoc) ... نمایه شده باشند. این تعداد تا قبل از مرحله غربال مطالعات ۳۰ مطالعه را شامل می‌شود. مرحله سوم: غربال مطالعات و گزینش مطالعات مورد استفاده و مناسب؛ جهت غربال‌گیری و نمونه‌گیری از جامعه یادشده، ۱۰ سند پژوهشی که حائز شرایط و ملاک‌های انتخاب بودند گزینش شدند؛ مانند داشتن ضریب همبستگی رابطه بین دو متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی سطح معنی‌داری، مشخص بودن حجم نمونه بود، جهت ترکیب کمی نتایج و به دست آوردن نتیجه واحد احصا شدند. مرحله چهارم: گردآوری اطلاعات لازم از هر یک از مطالعات: فهرست اطلاعاتی که از مطالعات مذکور استخراج شده است شامل موارد زیر است: ۱- اطلاعات عمومی شامل: نام نویسنده

(ها)، سال انتشار، جامعه آماری ۲- اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش، شامل ضریب همبستگی رابطه بین دو متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی، سطح معنی داری ۳- حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری. در این مرحله علاوه بر گردآوری داده‌های هر یک از مطالعات، کدبندی شده و برای مرحله بعدی در نرم‌افزار *CMA* وارد گردید. مرحله پنجم: محاسبه اندازه اثر؛ روش اصلی فرا تحلیل مبتنی بر ترکیب نتایج است که معمولاً پس از تبدیل آماره‌ها به شاخص *r* و برآورد اندازه اثر^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است در این فرا تحلیل آماره‌های پژوهشی با استفاده از رویکرد هانتر و اشمیت^۲ به شاخص *r* تبدیل شد. در این مقاله برای تحلیل استنباطی داده‌ها ابتدا به بررسی مفروضات فرا تحلیل پرداخته شده است، به نحوی که به کمک نمودار کیفی^۳ و روش رگرسیونی خطی اگر^۴، همبستگی رتبه‌ای بگ و مزودار^۵ و *N* ایمن از خطا به بررسی خطای انتشار^۶ و به با آزمون *Q* به بررسی ناهمگونی^۷ مطالعات پرداخته شد، سپس با توجه به ناهمگونی بین مطالعات استفاده شده از مدل اثرات تصادفی^۸ برای ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر استفاده شد، در این مدل، تغییرات پارامتر در بین مطالعات نیز در محاسبات در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت نتایج حاصل از مدل با اثرات تصادفی در شرایط ناهمگنی قابلیت تعمیم بیشتر نسبت به مدل با اثرات ثابت دارد. برای تفسیر نتایج از سیستم تفسیری کوهن^۹ بهره گرفته شده است. لازم به ذکر است که کلیه این عملیات با استفاده از ویرایش دوم نرم‌افزار جامع فرا تحلیل ۱۰ و به روش ترکیب تصادفی اندازه اثر صورت گرفت. در جدول شماره (۶) خلاصه اطلاعات مربوط به مطالعات مختلف پیرامون رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت حضور در عرصه عمومی نمایش داده شده است.

^۱.Effect size^۲.Hunter&Schmidt^۳.Funnel plot^۴.Egger,s linear regression method^۵.Begg and Mazumdar rank correlation^۶.Publication bias^۷.Q tset for heterogeneity^۸.Random effect model^۹.Cohen^{۱۰}.Comperhensive Meta-Analysis – V2

جدول شماره (۶): خلاصه اطلاعات جمع‌آوری شده

ردیف	محقق و سال	حجم نمونه	جامعه آماری	ضریب همبستگی	نمونه‌گیری
۱	شیانی و داودوندی (۱۳۸۹)	۳۰۰	دانشجویان	۰/۸۰۸	خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای
۲	شهبازی و ابراهیمی (۱۳۹۲)	۲۷۰	زنان	۰/۴۰۵	تصادفی
۳	ولی‌خانی و دهقانی و همکاران (۱۳۹۳)	۳۶۸	ساکنین نواحی ۱۱ کانه اصفهان	۰/۸۷۳	طبقه‌ای
۴	حاج‌زاده و منصور (۱۳۹۳)	۳۸۴	اقوام مختلف	۰/۳۸۲	تصادفی
۵	تاج‌مزیانی و همکاران (۱۳۹۵)	۲۵۷	دانش‌آموزان متوسطه دوم	۰/۳۴۴	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
۶	هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)	۲۷۰	زنان	۰/۵۳۳	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
۷	احمدپور (۱۳۹۱)	۳۸۰	کلیه افراد بالای ۱۵ سال شهریارک	۰/۴۶۲	تصادفی چندمرحله‌ای
۸	شهبازی گهرویی (۱۳۹۰)	۲۷۹	-	۰/۵۴۰	تصادفی - خوشه‌ای
۹	کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱)	۲۲۰	دانشجویان	۰/۳۸۰	تصادفی
۱۰	شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۵)	۴۳۷	شهروندان شهر ساری و بالاتر از ۱۸ سال	۰/۱۵۰	طبقه‌ای و تصادفی

در جدول شماره (۷) ضمن برآورد اندازه اثر تفکیکی پژوهش‌های برگزیده مبتنی بر یک مقیاس مشترک، اثرات ترکیبی ثابت و تصادفی کلی نیز مشخص گردید.

جدول شماره (۷): خلاصه اطلاعات مربوط به فرا تحلیل بر روی پژوهش‌های نمونه

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱	شیانی و داودوندی (۱۳۸۹)	۰/۸۰۸	۰/۷۶۵	۰/۸۴۴	۱۹/۳۲۳	۰/۰۰۱
۲	شهبازی و ابراهیمی (۱۳۹۲)	۰/۴۰۵	۰/۳۰۰	۰/۵۰۰	۷/۰۲۰	۰/۰۰۱
۳	ولی خانی دهقانی و همکاران (۱۳۹۳)	۰/۸۷۳	۰/۸۴۶	۰/۸۹۵	۲۵/۷۰۷	۰/۰۰۱
۴	حاج زاده و منصوری (۱۳۹۳)	۰/۳۸۲	۰/۲۹۳	۰/۴۶۴	۷/۸۵۵	۰/۰۰۱
۵	تاج مزینانی و همکاران (۱۳۹۵)	۰/۳۴۴	۰/۲۳۱	۰/۴۴۸	۵/۷۱۶	۰/۰۰۱
۶	هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)	۰/۵۳۳	۰/۴۴۲	۰/۶۱۳	۹/۷۱۱	۰/۰۰۱
۷	احمد پور (۱۳۹۱)	۰/۴۶۲	۰/۳۷۹	۰/۵۳۸	۹/۷۰۵	۰/۰۰۱
۸	شهبازی گهرویی (۱۳۹۰)	۰/۵۴۰	۰/۴۵۱	۰/۶۱۸	۱۰/۰۳۷	۰/۰۰۱
۹	کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱)	۰/۳۸۰	۰/۲۶۱	۰/۴۸۸	۵/۸۹۳	۰/۰۰۱
۱۰	شارع پور و همکاران (۱۳۹۵)	۰/۱۵۰	۰/۰۵۷	۰/۲۴۰	۳/۱۴۹	۰/۰۰۲
	اثرات ترکیبی ثابت	۰/۵۳۰	۰/۵۰۴	۰/۵۵۵	۳۳/۰۳۳	۰/۰۰۱
	اثرات ترکیبی تصادفی	۰/۵۳۱	۰/۳۳۷	۰/۶۸۱	۴/۸۲۵	۰/۰۰۱

جدول فوق نشان می‌دهد که در همه ۱۰ مطالعه مدنظر رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی با اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشند. بزرگ‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه سوم (ولی خانی دهقانی و همکاران) و کوچک‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه دهم (شارع پور و همکاران) است. همچنین هم اثرات ثابت و هم اثرات تصادفی در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشند.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های فرا تحلیل (همگن بودن مطالعات انجام‌شده و بررسی خطای انتشار در میان مطالعات) پرداخته خواهد شد.

۱. بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام‌شده

یک بخش از هر فرا تحلیل آزمون همگنی مطالعات است که به منظور بررسی این مفروضه از آزمون Q استفاده شده است که نتایج حاصل از بررسی آن در جدول (۳) نمایش داده شده است؛

جدول شماره (۸): نتایج حاصل از آزمون Q

شاخص آماری	مقدار (Q)	آزمون درجه آزادی (Df)	سطح معنی‌داری (P -)	I - (F^2) Squared
نتایج	۴۲۰/۵۹۹	۹	۰,۰۰۱	۹۷/۸۶۰

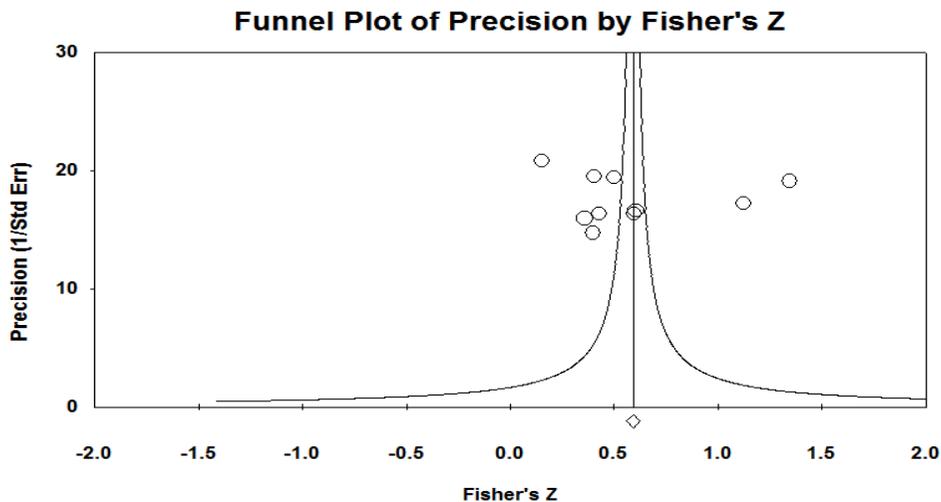
با توجه به نتایج حاصل از آزمون ($Q = 420/599, P < 0.01$) باید گفت با اطمینان ۹۹٪ فرض صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام‌شده رد گردیده و فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تأیید می‌شود. به بیانی دیگر معنادار بودن شاخص Q نشان‌دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است، اما از آنجاکه این شاخص به افزایش تعداد اندازه اثر حساس هست و با افزایش تعداد اندازه اثر توان این آزمون برای رد همگنی بالا می‌رود، مجذور I شاخص دیگری است که به همین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضریب مجذور I دارای مقداری از ۰ تا ۱۰۰٪ است و در واقع مقدار ناهمگنی را به صورت درصد نشان می‌دهد. هر چه مقدار این ضریب به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثرهای پژوهش‌های اولیه است. نتایج حاصل از ضریب مجذور I مؤید این مطلب است که حدوداً ۹۷/۸۶۰ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط است. لذا تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع این آزمون به ما می‌گوید که رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات متفاوت‌اند و در این وضعیت باید از متغیرهای تعدیل‌گری برای مشخص کردن واریانس و محل این تفاوت‌ها استفاده کرد. البته در این پژوهش تلاش‌های زیاد برای شناسایی این متغیرها صورت گرفت. مراجعه مجدد به اطلاعات گردآوری‌شده در چک‌لیست‌ها و بررسی مجدد فرضیات و متغیرها نیز انجام شد و نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای جنسیت و سطح تحصیلات (به‌عنوان متغیر کیفی) مورد بررسی قرار گرفت.

۲. بررسی مفروضه خطای (تورش) انتشار

بخش دیگر فرایند فرا تحلیل بررسی خطای انتشار هست که ناشی از انتشار پژوهش‌های چاپ‌شده و عدم انتشار پژوهش‌های چاپ‌شده و انواع خطاها هست. به بیانی دیگر یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فرا تحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده‌اند. به منظور بررسی این مفروضه از نمودار کیفی و روش رگرسیونی اگر روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار و N ایمن از خطا استفاده شده است که نتایج بررسی این مفروضه به کمک روش‌های مختلف در قسمت زیر ارائه گردیده است.

۱-۲. نمودار کیفی

یکی از رایج‌ترین روش‌ها به منظور بررسی خطای انتشار، نمودار کیفی هست. نمودار کیفی مطالعات گردآوری شده به منظور بررسی خطای انتشار در قسمت زیر ارائه گردیده است؛



نمودار (۱): نمودار کیفی به منظور بررسی خطای انتشار

نتایج حاصل از نمودار کیفی وارونه تقریباً تداعی‌کننده تقارن نسبی مطالعات انجام شده هست، اما قضاوت صریحی در این مورد نمی‌توان انجام داد و می‌بایست برای این منظور از آزمون‌های آماری مربوطه (روش رگرسیونی خطی اگر و آزمون همبستگی بگ و مزومدار، روش چینش و تکمیل دووال و توئیدی و N ایمن از خطا) استفاده شود در این روش فرض صفر (H_0) بیانگر تقارن بودن نمودار و عدم سوگیری انتشار هست و فرض خلاف (H_1) بیانگر عدم تقارن نمودار کیفی و سوگیری انتشار دارد.

۳-۲. نتایج روش رگرسیون خطی اگر

در نبود سوگیری انتشار انتظار می‌رود در تحقیقات کوچک اثر استاندارد کوچک و در تحقیقات بزرگ، اثر استاندارد برگ مشاهده شود. این حالت خط رگرسیونی را ایجاد می‌کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد. نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر به‌منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول (۹) هست

جدول شماره (۹): نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر

شاخص آماری	برش (B)	خطای استاندارد (SE)	t-Value	سطح معنی‌داری (P-Value)	
				یک دامنه	دو دامنه
نتایج	۲/۱۶۵	۲۱/۷۰	۰/۰۹۹	۰/۴۶۱	۰/۹۲۲

بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر برش برابر با (۲/۱۶۵)، فاصله اطمینان ۹۹٪ برابر با ۰/۸۷ هست. از آنجاکه مقدار P یک دامنه ۰/۴۶۱ و دو دامنه ۰/۹۲۲ هست، لذا بیانگر این مطلب است که فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأکید می‌گردد.

۴-۲. N ایمن از خطا

آزمون N ایمن از خطا روزنتال تعداد مطالعات گمشده (با میانگین اثر برابر با صفر) یعنی تعداد مطالعات مؤید فرضیه صفر را که باید به تحلیل اضافه شود و از لحاظ آماری یک اثر کلی غیر معنادار به دست داده و نتیجه را تغییر دهد پیشنهاد می‌کند. نتایج حاصل از این روش در قسمت به شرح جدول زیر هست.

جدول (۱۰): محاسبات N ایمن از خطا

مقدار	شاخص
۳۲/۹۲	مقدار Z برای مطالعات مشاهده‌شده
۰/۰۰۰۱	مقدار P برای مطالعات مشاهده‌شده
۰/۰۵۰	آلفا
۲	باقیمانده
۱/۹۵۹	Z برای آلفا

تعداد مطالعات مشاهده شده	۱۰
تعداد مطالعات گمشده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند	۲۸۱۲

با نگاهی به جدول (۱۰) می‌توان دریافت که باید تعداد ۲۸۱۲ مطالعه دیگر صورت گرفته و بررسی شود تا مقدار P دوسویه ترکیب شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند، به این معنی که باید ۲۸۱۲ مطالعه دیگر انجام شود تا در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطایی رخ دهد و این نتیجه حاکی از دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج به دست آمده از این پژوهش است. ۲۸۱۲ مورد مطالعه فاصله از خطا مقدار مناسب و قابل توجهی است. با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فرا تحلیل به این نتیجه رسیدم که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج به منظور گزارش اندازه اثر استفاده کرد، لذا در جدول شماره (۱۱) گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است.

جدول شماره (۱۱): نتایج حاصل از اندازه اثر مطالعات رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی

پرسش	تعداد مطالعات	اندازه اثر (r)	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی با مشارکت اجتماعی	۱۰	۰/۵۳	۰/۳۳۷	۰/۶۸۱	۴/۸۲۵	۰/۰۰۱

داده‌های جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد که میانگین اندازه اثر مشارکت اجتماعی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۵۳ هست. چون این اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان هست، لذا باید گفت تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأکید می‌شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۵۳) بر مبنای معیار کوهن (جدول ۸) حاکی از اثر در حد زیاد هست. پس در مجموع باید گفت مشارکت اجتماعی در سطح زیادی می‌تواند بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی مؤثر باشد.

جدول (۱۲): مدل کوهن، نظام تفسیر اندازه اثر ناشی از فرا تحلیل

اندازه اثر	r	d
------------	-----	-----

کم	۰/۱	۰/۲
متوسط	۰/۳	۰/۵
زیاد	۰/۵	۰/۸

با توجه به نتایج حاصل از ناهمگونی مطالعات در این قسمت سعی بر این است که به منظور مشخص کردن این ناهمگنی از متغیر تعدیل کننده استفاده شود تا شاید از این طریق بتوان مشخص کردن واریانس بین مطالعات پرداخت. در این پژوهش متغیرهای سطح تحصیلات و متغیر جنسیت (به عنوان متغیر کیفی) به عنوان متغیر تعدیل کننده انتخاب شده است.

الف بررسی نقش تعدیل کنندگی متغیر سطح تحصیلات:

جدول (۱۳): نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه مشارکت اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به تفکیک سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد	مدل اثرات ثابت		مدل اثرات تصادفی	
		اندازه ترکیبی	Z-Value	اندازه ترکیبی	Z-Value
بالاتر از ۸ دیپلم	۸	۰/۵۴	۳۱/۱۹	۰/۵۵	۴/۱۳
زیر دیپلم ۲	۲	۰/۴۵	۱۱/۲	۰/۴۴۸	۳/۹۳
کل ۱۰	۱۰	۰/۵۳۰	۳۳/۰۳	۰/۴۹	۵/۶۵۴

جدول (۱۳) اندازه‌های اثر ترکیبی مدل اثرات ثابت و تصادفی مربوط به رابطه بین مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی را به تفکیک سطح تحصیلات ارائه می‌دهد. در سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۴۴۸ محاسبه شده که در هر دو گروه سطح تحصیلات در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین به‌طور کلی اندازه اثر در هر دو گروه سطح تحصیلات ۰/۴۹ است. به بیانی دیگر می‌توان گفت میزان مشارکت اجتماعی کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته است.

ب بررسی نقش تعدیل کنندگی متغیر جنسیت

نتایج حاصل از بررسی متغیر جنسیت به عنوان متغیر تعدیل کننده به شرح جدول زیر است.

جدول شماره (۱۴): نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه مشارکت اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به تفکیک جنسیت

مدل اثرات تصادفی			مدل اثرات ثابت			تعداد	
<i>P- Value</i>	<i>Z- Value</i>	اندازه ترکیبی	<i>P- Value</i>	<i>Z- Value</i>	اندازه ترکیبی	اندازه اثر	جنسیت
۰/۰۰۲	۳/۰۹۶	۰/۴۸	۰/۰۰۱	۱۹/۵۸	۰/۴۶	۵	زنان
۰/۰۰۱	۳/۵۰	۰/۵۷	۰/۰۰۱	۲۷/۰۳	۰/۵۸	۵	مردان
۰/۰۰۱	۴/۶۴۵	۰/۵۲۷	۰/۰۰۱	۳۳/۰۳	۰/۵۳۰	۱۰	کل

جدول (۱۴) اندازه‌های اثر ترکیبی مدل اثرات ثابت و تصادفی مربوط به رابطه بین مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی را به تفکیک جنسیت ارائه می‌دهد. در بین زنان اندازه اثر در مدل تصادفی ۰/۴۸ و در گروه مردان اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۵۷ محاسبه شد که در گروه مردان و گروه زنان در سطح خطای ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان معنادار هست. همچنین به‌طور کلی اندازه اثر در هر دو گروه مردان و زنان ۰/۵۲۷ هست. به بیانی دیگر می‌توان گفت میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته است. در واقع می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان متأثر از مشارکت اجتماعی هست.

بحث و نتیجه گیری

در گام نخست و در بررسی مفروضات همگنی ۱۰ پژوهش مورد نظر، آزمون Q با اطمینان ۹۹ درصد، فرضیه صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام شده رد شد و فرض ناهمگونی اندازه اثر پژوهش‌ها مورد تأیید قرار گرفت. رابطه میان مشارکت اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی از منظر ویژگی‌ها و مختصات مطالعات به شدت متغیر و متفاوت بوده و این امر لزوم توجه به متغیر تعدیل گر را پررنگ جلوه می‌دهد. ارزیابی مفروضه خطای انتشار نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوی گیری انتشار، تأیید شده است. در تصدیق این مسئله، محاسبه ضریب N ایمن از خطا بیانگر این مطلب بود که ۲۸۱۲ مطالعه دیگر لازم است صورت

گیرد تا در نتایج نهایی محاسبات خطاهایی رخ دهد و این امر حاکی از دقت و صحت اطلاعات به دست آمده از پژوهش حاضر است. در بعد تحلیلی یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین اندازه اثر تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی معادل $0/53$ می‌باشد که برحسب نظام تفسیری کوهن، در محدوده اطمینان و در سطح حد زیاد ارزیابی می‌شود. در مقایسه با میانگین اندازه اثر حاصله، نیمی از مطالعات مورد بررسی، اندازه اثری بالاتر و نیمی اندازه اثر کمتری از میانگین ۱۰ پژوهش مورد بررسی را کسب کردند. بالاترین اندازه اثر مربوط به مطالعه ولی خانی دهقانی و همکاران ($0/873$) و کم‌ترین اندازه اثر مربوط به در مطالعات مذکور مربوط به پژوهش شارع پور و همکاران ($0/150$) بود. ضریب اثر بر اساس متغیر تعدیل گر جنسیت برای مردان ($0/58$) بالاتر از زنان ($0/46$) بود، بدین معنی که میزان مشارکت اجتماعی مردان تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی به نسبت زنان داشته، یعنی می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی مردان بیشتر از زنان متأثر از مشارکت اجتماعی هست. ضریب اثر بر اساس متغیر سطح تحصیلات، در سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم $0/55$ و در سطح تحصیلات زیر دیپلم $0/448$ بود؛ یعنی میزان مشارکت اجتماعی کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند تأثیر بیشتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته است. زنان به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع نقش مهمی در جریان فرهنگ‌سازی و توسعه جوامع داشته و دارند اما طبق فرا تحلیل انجام شده میزان مشارکت اجتماعی زنان تأثیر کمتری بر میزان آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی نسبت به مردان به داشته است. در واقع می‌توان گفت آگاهی از حقوق شهروندی زنان کمتر متأثر از مشارکت اجتماعی آنان هست و این حاکی از ضعف مشارکت در بین زنان نسبت به مردان در تحقیقات و مطالعات مورد بررسی است. برای تحلیل مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی زنان، فهم فرهنگ و ارزش‌های غایی غالب در جامعه و شناخت ویژگی‌های جهان ذهنی زنان به‌ویژه ارزش‌ها و نگرش‌های آنان ضروری است. طبق دیدگاه جورج هربرت مید و شاگردش هربرت بلومر در تحلیل کنش‌های افراد بایستی روی مفهوم خود و پنداشت فرد از واقعیت‌ها تأکید کرد. بر اساس این دیدگاه الگوی کنش یا شیوهی برخورد افراد با واقعیت‌ها نه تابع واقعیت‌های بیرونی و نه تابع تمایلات درونی، بلکه تابع پنداشتی است که آنان از واقعیت‌ها در قالب نمادها پیدا می‌کنند. این پنداشت‌ها از طریق تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و امری متغیر و پویاست. مطابق این دیدگاه مشارکت اجتماعی زنان و همکاری آنان با نهادهای مدنی تابع پنداشتی است که آنان در فرآیند اجتماعی شدن از خود و امور دیگر کسب می‌کنند و تفسیری است که زنان برحسب هر موقعیت از نهادهای مدنی و موضوع‌های مورد توجه در مشارکت و انتظارات دیگران و نقش‌های مربوط به خود

پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد پنداشت و تفسیر زنان از موقعیت خود برای مشارکت اجتماعی در ارتباط با نوع نگاه خانواده، نهادهای مدنی و باورها و نگرش‌های اکثریت جامعه در مورد آنان می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی آنان و تأثیر بر آگاهی از حقوق شهروندی‌شان دارد. باورها و اعتقادات و خصوصاً نگرش‌هایی از قبیل اینکه جایگاه زن باید در خانه باشد و زن نایستی حضور چندانی در اجتماع داشته باشند و وسیله خودنمایی باشند و توجه و اهمیت بیشتر به فرزندان پسر و توجه کمتر به دختران در نهاد خانواده نیز نشان از همین مسئله دارد؛ مشروعیت سلطه مردان بر زنان از طریق قوانین جدید مربوط به طلاق، خشونت و تجاوز و مسائل اقتصادی مثل مالیات و مستمری‌ها نیز نشان از این تفاوت‌های جنسیتی در سطح کلان دارد. همچنین رسانه‌ها، نظام آموزشی و ایدئولوژی همگی می‌توانند بسترها و مجراهایی باشند که از طریق آن این تفاوت‌های جنسیتی را بازتولید کنند؛ و این تفاوت‌های جنسیتی و هژمونی مردانگی یکی از عوامل مهم در میزان کمتر مشارکت زنان و ارتباط آن با مسئله آگاهی آنان از حقوق شهروندی است. به نظر می‌رسد برای تحقق شهروندی نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم، یک حرکت از بالا به پایین که همان فرصت دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان و از جمله زنان برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه عرصه عمومی است. می‌توان گفت برای افزایش سطح آگاهی زنان از حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی بیشتر آنان، بایستی فرهنگ شهروندی در جامعه را ارتقاء داد. شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئولیت‌پذیری عناصر مختلف جامعه دولت، حوزه خصوصی و حوزه عمومی است؛ که همانا اعضای جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، یعنی افراد و نهادهایی که دارای حق و تعهدات معینی هستند (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰). با توجه به مباحث و یافته‌های پژوهش، می‌توان پیشنهادهای پژوهشی را به شرح زیر ارائه داد:

- تدوین و برنامه‌ریزی جامع آگاه‌سازی در زمینه حقوق، وظایف و هویت شهروندی زنان و سایر اقشار جامعه

- شناسایی محدودیت‌ها، منابع و اولویت‌بندی نیازها در گروه‌های مختلف زنان در جامعه

- تدوین و برنامه‌ریزی جامع جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه مطالعه و بررسی

-تدوین و برنامه‌ریزی جامع جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه مطالعه و بررسی ارزش‌ها و تقویت ارزش‌های چون عام‌گرایی، اخلاق مشارکتی و مدنی برای افزایش آگاهی و تبدیل شدن به شهروندی فعال.

- معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و (NGO) ها و ... در زمینه های مختلف به شهروندان و خصوصاً زنان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان می‌تواند میزان حضور در عرصه‌های عمومی زنان را افزایش دهد.

منابع

- آقا بخشی، علی (۱۳۸۶) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
- بیرو، آلن (۱۳۹۰). فرهنگ علوم اجتماعی جلد چندم، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان
- پوپر، کارل (۱۳۶۹). جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه علی اصغر مهاجری، تهران: شرکت سهامی انتشار
- پیر هادی، علی اکبر (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، تهران: انتشارات سروش
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- حسام، فرحناز (۱۳۸۱)، "هویت شهروندی"، فصلنامه اندیشه و پژوهش، سال پنجم، شماره ۵۱.
- حسین زاده حسین، ایدر نبی الله و عباسی الهام (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم، ص ۸۲-۵۹
- راودراد، اعظم و نائی، هوشنگ (۱۳۸۶) تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده، پژوهش زنان، دوره پنجم، ص ۵۸-۱
- السان، مصطفی (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر رعایت حقوق شهروندی بر توسعه پایدار، تهران، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۸
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، شماره ۵
- شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره (۱۳۸۹)، تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵
- شیانی، ملیحه؛ رضوی الهام، بهداد؛ دلپسند کامل (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران»، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره چهارم
- صرافی، مظفر؛ اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴). شهروندمداری: راهکاری برای حل مسائل شهری در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۸-۲۱۷، صفحه ۲۱۷-۱۳۶
- صفایی پور، مسعود؛ ملایی، سجاد؛ آدینه وند، علی اصغر (۱۳۹۰). مفهوم شهروندی (چالش‌ها و موانع قانونی پیش رو در ایران). کتاب سمینار رسانه و آموزش شهروندی، اداره کل آموزش شهروندی شهرداری تهران: ص ۲۴-۸
- عربستانی، مهرداد و حاجیان، بهنام (۱۳۸۴). حقوق شهروندی، مجله فرهنگ شهروندی، شماره ۱.
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۷). رهیافتی جمعیت‌شناختی به اشتغال زنان: با ملاحظاتی بر وضعیت ایران، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره‌ی ششم: ص ۱۹۳-۱۷۱
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۰)، شکاف نسلی مرتبط با نقش‌های جنسیتی و تحولات جمعیتی در ایران. پژوهش‌نامه‌ی جامعه‌شناسی جوانان، شماره‌ی اول: ص ۱۴۹-۱۴۴
- قلی پور، آریز (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران: سمت

- کلدی، علیرضا و پوردهناد، نگار (۱۳۹۱)، بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران، فصلنامه مطالعات شهری، شماره چهارم، ص ۵۸-۲۹
- کیویستیو، پیتر (۱۳۸۴)، اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نشرنی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نشر نی
- مالجو، محمد (۱۳۸۱)، حقوق شهروندی و تأمین اجتماعی، مجلس و پژوهش، شماره ۳۳.
- مایکل بورنشتین، لاری هجز، جولیان هیگینز، هانا روتشتین (۱۳۹۳)، راهنمای ویرایش دوم نرم افزار جامع فراتحلیل، ترجمه علی دلاور و کامران گنجی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- ممتاز، فریده (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۵)، جایگاه شهروندی در گفتمان شوراهای اسلامی، ماهنامه شوراها، شماره ۵
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر قلم
- هزار جریبی جعفر (۱۳۹۰)، آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره ی نهم، صفحه ۱۸-۱.
- همتی رضا و احمدی، وکیل (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه: شهر ایوان)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸
- یعقوبی راد، فرزانه، هاشمی، شهناز، سلطانی فر، محمد (۱۳۹۰)، بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخورداری زنان از حقوق شهروندی، مدیریت فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱

Buck Land, Jerry. (1998), From Relief and Development to Assisted Self
 Carter, A (2001) The political of Global Citizenship, London: Routledge.
 Croft s. and Bresford (1992) The Politics of Participation, Journal of Critical
 Dahrendrof, R (1994). " Citizenship and Byond: Byond: The social Dynamics of
 an Idea", in B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Consept,
 London: Routledge
 Development, Paris, VNESCO
 Gaoteri, H(1986), Popular Participation in Development, in Participation in
 Habermas. j(1989) the public sphere London: sage in steren seidman(ed).
 Janoski, T. (1998). Citizenship and civil society. Cambridge University Press.
 Marshall, TH (1994), citizenship and social class in B.S. turner & Hamilton,
 citizenship: critical concept, London: Routledge
 Marx, k. (1967). on the jewish question in k.marx early political writings.
 cambridge: cambridge university press.
 Oldfield, A (1990), Citizenship and Community: Civic Republicanism and the
 modern
 P.Hamilton, ed, Citizenship Critical Concepts, London: Routledge
 Reliance: Nongover Mental Organization in Bangladesh, Jerry. Buck lard

Risman.Barbara J.2004” Gender as a social structure: wrestling with Activism”.
Gender society18(4): 450

Turner, B.S(1990), Outline of Citizenship in B.S Turner and Social Policy, Issue
35, PP 1-25

Unesco(1989)Declaration of thr rights of man. Available
at:<http://portal.unesco.org/ci/en/ev>